

# زیمبابوه



## نگاهی دیگر

اخیرا یکی از اعضای کمیسیون بین المللی سازمان بنگ قلمب مشاهده و بررسی اوضاع سیاسی، به ایران آمده بود و مقاله‌ی زیر را برای نشریه‌ی رهائی برسنی تحریر در آورد. این رفیق خود فعالانه در جنبش همسنگی با زیمبابوه درگیر بوده و از این نظر با اطلاعاتی که در اینباره دارد جسم اندازهای وسیعتری را در مقابل خواننده‌ی ایرانی قرار میدهد بویژه اینکه مقاله‌ای که تاکنون در نشریه‌های حیوان دربارهی زیمبابوه منتشر شده‌اند، از حد اطلاعات عمومی و اعلام همسنگی کلی فراتر نرفته‌اند.

سازمان بنگ قلمب، سازمانی است که بعد از مبارزات توده‌ای سالهای ۱۹۶۸، در انگلستان بوجود آمد و در بسیاری از نظریات و خطوط ایدئولوژیک (بعنوان مثال مبارزه‌ی سیاسی با مائوئیسم، اسنالیسم و ترویسکیسم بعنوان جریان‌های انحرافی) و متد تحلیل با سازمان ما نقطه‌ی اشتراک دارد.

بروزی نیروهای آزادیبخش زیمبابوه در فوریه (اسفند ۵۸)، از نقطه نظر انتخاباتی بسیار فاطح و طی یک استقبال وسیع، زانو (ZANU) - اتحادیه ملی آفریقای زیمبابوه - و زانو (ZAPU) - اتحاد خلیق آفریقای زیمبابوه، ۸۷٪ آراء و در نتیجه ۷۷ کرسی از ۸۰ کرسی مجلس را کسب برای نمایندگان ساهبوسد - کار کدارده شده بود، دست آوردند. این پیروزی حتی از آنچه که هواداران خوشبین آنها انتظار داشتند، بزرگ تر بود، و برای نیروهای امپریالیستی که انتخابات را ترتیب داده بودند، بسیار شوک آور بود.

اما بطور کلی، این پیروزی با پیروزی که فرلمو در مورامبیک با حی میلا در آنکولا دست آوردند، متفاوت است. نیروهای ذکر شده بعد از در هم کوسدن دولت سرمایه‌داری استعماری بخت رسیدند، حال آنکه نیروهای آزادیبخش زیمبابوه و ارت یک دولت سرمایه‌داری استعماری شده‌اند که هنوز دست نخورده باقی مانده است. آنگونه که نشان داده خواهد شد، این تفاوت بسیار مهم بوده و منعکس کننده‌ی اوضاع عمیق تغییر یافته در آفریقای جنوبی - بطور کلی در طول ۴ سال گذشته است.

### نگاهی به گذشته

پیروزیهای فرلمو و میلا در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ ضربات شدیدی بر امپریالیسم بودند که بر ضربه‌ی بسیار سخت پیروزی عظیم مردم ویتنام

افزاد شد. این پیروزیها بلافاصله منجر به تشدید مبارزه‌ی مسلحانه توسط نیروی مسلح زانو، زانلا (ارتش آزادیبخش ملی آفریقای زیمبابوه) کردند، باعث الهام پیام سوتسو در آفریقای جنوبی شد، روحیه نیروهای سوابو (سازمان خلق جنوب غربی آفریقا) را بالا برد، و نیز به دو تلاش ناموفق برای آزاد کردن زیمبار دامن زد. انقلاب ناکهان در تمام جنوب آفریقا در دستور کار قرار گرفت و امپریالیستها ناکهان حس کردند که ممکنست منابع وسیع طلا، اuranium، کرم و پلاتین و تعداد دیگری از مواد معدنی مهم و یک منطقه‌ی مهم استراتژیک درشکله‌ی نظامی امپریالیسم، علاوه بر منابع اصلی سود سرشار را از دست بدهند. کاری باید انجام میگرفت.

حادثی اولیه توسط سیاستمدار سرخست امپریالیست، کیسینجر و مشاوران او ترتیب شد. آنها علاوه بر اصلاحات مشخص در آفریقای جنوبی سعی در به بیراهه کردن مبارزه در نامیبیا، شروع به ایجاد تغییرات وسیع در توارن نیروها در زیمبابوه کردند. آنها با جلب حمایت آفریقای جنوبی، موفق شدند نژاد پرست سرخست رودزیایی با نام "میت را متقاعد به پذیرش "توافق داخلی" نمایند، با این صورت که قدرت در واقع در دست سفیدها باقی بماند و لسی در ظاهر به سیاهپوستان داده شود و هم زمان با این امر خستون بیشتر برای مقابله با نیروهای آزادیبخش بکار رود. تقریبا در این زمان بسود

- یعنی در سال ۱۹۷۷ - که کارد سلوس (پیروزی ویژه‌ای متشکل از سیاهپوستانی که در خدمت رژیم یان اسمیت بودند) شروع به فعالیت کردند. آنها به لیبی چریکها در آمده و به میسونرهای مذهبی و دهات حمله میکردند. حکومت نظامی رژیم تشدید شد و منجر به دستگیریهای وسیع و کشتار اشخاصی که منتهی در رابطه با چریکها بودند گردید. با تلاش رژیم برای جلوگیری هر چه بیشتر از جذب مردم به مبارزین آزادیبخش، بر جمعیت اردوگاههای اجباری، با بقول رژیم "دهکده‌های حفاظت شده"، افزوده شد. "عملیات ناهی" آغاز گردید. این یکی از خستونت آمیزترین تاکتیکهای طراحی شده توسط رژیم برای قراردادن نوده‌ها از جنک بود. محصولات نابود شدند، فروشگاهها تعطیل گشتند. مقدار غذاهایی که از نهرها عرصه میشدند بسیار محدود بود. این سادگی سیاست فحطی بود و تا شرات آفرانمیتوان بی اهمیت تصور کرد.

اما آن استراتژی که برای طرح اولیه کیسینجر در حال تدوین شدن بود، حتی پیچیده تر از این بود. در حالی که به اسقف موزوربا بعنوان "رهبر" جدید سیاهپوستان تبلیغ میشد، رژیم رودزیا خرابکاری در اقتصاد زامبیا را آغاز نمود. در حالی که تنها راه زامبیا برای فراهم کردن کودکشاورزی - که برای تولیدکشاورزی زامبیا ضروری است - از رودزیا عبور میکرد، خطوط اصلی راه آهن زامبیا منفجر شدند. با این ترتیب از آنجا که بیکاه اصلی زامبیا بود، رودزیایی ها میتوانستند بر یکی از

حناهای جنبش آزادبخش فشار مستقیم بگذارند.

**انتخابات**

بدن ترتیب، در هنگام انتخابات " داخلی " اول، جنبش شرايطي حاکم بود شرکت در انتخابات، حتی با حساب آوردن نغلیات، در حدود ۶۰ درصد بود. در شرايطي که جنبش آزادبخش بر حدود یک سوم ( ۱/۳ ) جمعیت کنترل داشت، این درصد شرکت بسیار قابل توجه بود در سطح وسیع - ساید هم بدرستی - نه بعنوان رای به موزور و ابلکه بعنوان رای به صلح دیده شد، و این را می بود که جنبش آزادبخش بآن با حدیث برخورد کرد.

وقتی بفاصله‌ی کوتاهی انتخابات در انگلستان برگزار شد، و محافظه - کارها بقدرت رسیدند، کسیکه مسئولیت اسرايزی امپریالیسم را بعهده گرفت، لرد کارینتون بود. سرعت او در ارضایی امکانات جدید برای توافق واقعی با شرکت نیروهای جبهه میهنی، قابل ملاحظه بود.

حملات که عمدتاً متوجه اهداف اقتصادی بود، دچار مشکلات اقتصادی شدند.

بشترین زبان را در این دوره موزامبیک متحمل شد، که ذخایر مهم غذایی آن برای شهرمایوت نابود شده و کامیونهای حمل بار از بین رفتند. در نتیجه، موضع ضد امپریالیستی حکومت موزامبیک تضعیف شد، و فشار در طول کنفرانس لندن، همراه با اوج حملات، افزایش یافت.

**سازشها**

در یرتو تمام تحولات فوق است که تحلیل محصمهای که دولت جدید زیمبابوه در آن درگیر است، امکان پذیر میشود. جنبش آزادبخش در کنفرانس لندن، در اثر ترکیبی از خونت نژادپرستان سفید پوست و مانورهای زیرکانه‌ی امپریالیستها، ناچار به دادن امتیازاتی شد که بطور قابل ملاحظه‌ای امکان مانور، بعد از رسیدن بقدرت، را کاهش

را بر کل منطقه عمیق تر ساخته است. این عقب‌گرد را فقط با موضع متحد و قاطع نیروهای مترقی در کل منطقه میتوان جبران کرد، و نمیتوان از زیمبابوه‌ای‌ها انتظار معجزه داشت.

**پیروزی**

جنبه‌ی دیگر مسئله اینست که حکومت جدید زیمبابوه دارای پشتیبانی توده‌ها است و این پشتیبانی دارای محتوای ضد امپریالیستی است. اگر حکومت جدید بتواند این حمایت را بطرز موثری بسیج کند، در آن صورت میتواند بسیاری از مشکلات را به مقابله بطلبد. این مشکلات شامل موارد زیراند:

ماهیت ارتجاعی قوه‌ی فضا شیه، نیروی پلیس و دستگاه اداری، تسلط شرکت‌های چند ملیتی بر معادن و بخشهای اساسی صنعت، غیر ممکن بودن حل دو مسئله‌ی کاملاً فوری - مسئله‌ی زمین و مسکن با وجود سیستم روابط

**حکومت جدید زیمبابوه دارای پشتیبانی توده‌ها است و این پشتیبانی دارای محتوای ضد امپریالیستی است. اگر حکومت جدید بتواند این حمایت را بطرز موثری بسیج کند، در آن صورت میتواند بسیاری از مشکلات را بمقابله بطلبد.**

اربدنانه او، جنگ بحالت لاینحلی رسیده بود، روحیه طرفین بائیس و نمایل به صلح شدید بود و حداقل یک جناح از جنبش آزادبخش - زاپو - آماده سازش و توافق بود. طولی نکشید که او حمایت کشورهای مشترک‌المنافع را برای بستن تلاش جدید - کنفرانس لانکاسترها و پس در لندن بدست آورد.

با فرا رسیدن کنفرانس و بعد ادامه‌ی آن، قابل توجه‌ترین تحول تلاش عاجزانه‌ی رودزایی‌ها و آفریقای جنوبی برای تغییر هر چه سریع‌تر توازن نیروها در منطقه بود. حملات، که در تمام آنها تجهیزات نظامی غرب بکار میرفت، توسط آفریقای جنوبی به آنکولا، توسط رودزیا به موزامبیک و هر دو به زامبیا، شروع شد. تمام این کشورها در اثر این

داد، بوزره، جنبش آزادبخش اجازه داد که حق مالکیت برای حداقل ۱۰ سال تضمین شود که این خود یک استخوان بندی سرمایه‌داری را ضمانت میکند. هم چنین اجازه داد بسیاری از ارکانهای قدرت سفیدپوستان دست نخورده باقی بمانند.

در عین حال، جنبش آزادبخش با شرایط متفاوتی در منطقه بطور کلی روبروست. در حالیکه بظاهر، "قرش ساه" بیسر بطرف جنوب پیشروی کرده، و فقط نامیبیا و آفریقای جنوبی باقی مانده‌اند، در اصل یک عقب‌گرد اساسی رخ داده است، که اقتصاد موزامبیک، آنکولا و زامبیا را دچار بحران ساخته، و حکومت جدید زیمبابوه را در دام انداخته، و تسلط آفریقای جنوبی - و امپریالیسم

مالکیت موجود، و نفوذ غالب آفریقای جنوبی بر بسیاری از جوانب جامعه. در کونا ه مدت، حکومت فادریه مقابله با این مشکلات عمیق خواهد بود. توازن نیروها در درون حکومت در حال حاضر بیفیع تکنوکراتها و باسونا لیست‌های خرده‌بورژوازی جنبش آزادبخش است، که عناصری از این ها هم در زانو و زاپو وجود داشتند. اینان بیشتر تمایل به اصلاحات تدریجی و کنار آمدن با نیروهای مسلط دارند، تا تغییرات رادیکال.

ولی نیروهای مترقی تری، هم در رهبری زانو و هم زاپو وجود دارند، که با گذشت زمان، وقتیکه مردم خواسته‌هایشان را انجام شده‌نبینند،

این سروها معمولاً نمودار می‌دهند.  
خواسته‌های مردم سرچشمه خواهند شد.  
حکومت یا باید در مقابل این سروها  
سلطنت نمود و یا مسئول به عنوان  
و احیای بود. آینده امر را بسیار  
خواهد داد.

بنابر این آمده. جی اکسبر  
مکتب‌های متقابل سروهای می‌دهند.  
آمریکای جنوبی بسیار عظیم بنظر آمده،  
باز یک سمت. هم اکنون حکومتی  
باصولت منطقه کرد هم آمده‌اند بنا  
حکم انداز متقابل با سلطه آمریکای  
جنوبی را ارزیابی کنند، سوابق سه  
مبارزه‌ی خود در سامینا ادامه  
بدهد. فعالیت‌های حزبی توسط شورای  
ملی آمریکا و کنفرانس بان آمریکایی  
در کشور آمریکای جنوبی حد در شهر  
حد در روسا ادامه دارد. و رژیم  
اربعانی زمر مثل همیشه بی‌نیاز  
است.

مارکسیست‌های ایرانی از بسیاری  
سایر رهنم‌ورتر موانع، بعد  
از رسیدن به حزب، سوخته خواهند شد،  
ولی فعلاً، با زمانیکه حکومت جدید  
و تأیید می‌کنی را که در مقابل دارد  
احاطه دهد، باید انتظار حسی  
بنامی را داشته باشد. تا گذشت  
زمان حرکت‌های می‌توان از راسو  
و راسو انتظار داشت تا کنار آمدن  
با سروهای اربعانی، ولی در آرزوی  
با این احزاب به حد حرکت خواهند  
کرد. با در آنها اشباع خواهد شد،  
و با سروهای جدیدی در مقابل آنها  
بوجود خواهد آمد. فقط و فقط در آن  
زمان باید تصمیم گرفت که از جدک‌های  
باید سیاسی کرد، چون در حال  
حاضر یکی نیست که سروهای کسب  
استعارت‌ها را بنفید توسط را سربکون  
کرده‌اند مسخ تمام حماسی هستند  
که می‌توانند جلب کنند.

- نامره به جمهوریکا (نه بسنی  
همراه با انقلاب)
- نامره به راسو/ راسو (نه بیس  
L راسو/ راسو)